

دوفصلنامه «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت»

سال دوم، شماره چهارم - پائیز و زمستان ۱۳۹۸؛ صص ۱۴۴-۱۱۷

آداب تعامل مثبت جامعه با سال‌مندان براساس آموزه‌های قرآن و روایات

زهرا عباس پور^۱

طاهره سادات طباطبایی امین^۲

(تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۹)

چکیده:

از هنجارهای مثبت اجتماعی که نزد همه جوامع پسندیده است، تعامل مثبت با دیگران به‌ویژه با سال‌مندان است. مکتب اسلام بر تعظیم و تکریم به سال‌مندان تأکید فراوان دارد، زیرا بدین وسیله افراد به تکامل فردی و اجتماعی دست می‌یابند.

از آنجاکه رشد روزافزون افراد سال‌مند در جهان و توجه به مسئله پیری و تعامل با سال‌مند در حال تبدیل شدن به یکی از مسائل مهم جوامع بشری شده است و با توجه به برجسته بودن موضوع سال‌مندی در غالب کشورها از جمله ایران و ضرورت‌ها و الزامات آن، بررسی آموزه‌های دینی در باب تعامل عموم مردم با سال‌مندان شاید بتواند راهگشای برخی از مسائل مربوط به این موضوع باشد.

راهبردها و مصادیقی در منابع اسلامی برای تعامل و ارتباط صحیح با سال‌مندان مطرح شده است، از جمله؛ کسب معالم دینی از سال‌مند، بردباری در مقابل خواسته‌های سال‌مند، گوش سپردن به سخنان سال‌مند، احترام نگه‌داشتن در امرآموزش، جا گشودن در مجلس، مُقَدِّم داشتن سال‌مند در سخن گفتن، عدم موضع‌گیری در برابر سال‌مند، پیشی نگرفتن از سال‌مند و...

کلیدواژه‌ها: قرآن، حدیث، ارتباط اجتماعی، سال‌مند.

۱. کارشناس ارشد دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، zahra.abbspour@gmail.com

۲. استادیار دانشکده علوم و فنون قرآن تهران. tabatabaei.amin@gmail.com

مقدمه:

با مرور منابع، کم‌تر دوره‌ای از تاریخ را می‌توان یافت که مسئله سال‌مندی همانند امروز برجسته باشد. در این راستا برجسته بودن موضوع سال‌مندی در جوامع مختلف، ضرورت‌ها و الزامات آن، بیش‌تر از گذشته خود را نشان می‌دهد. برای نشان دادن سازوکار مناسب بهترین راه این است که مردم جامعه را متوجه اعتقادات و ارزش‌های درونی و مذهبی خود نمود، زیرا که تا چشمه نجوشد هر چه مصنوعی آن را بجوشانیم فایده‌ای ندارد، لذا به سراغ کلام و اوامر الهی و توصیه‌های ائمه معصومان: رفته تا شیوه‌های تعامل صحیح با سال‌مندان را از خزائن العلم و قاده الأمم، فراگرفته و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

قرآن کریم، در آیات متعددی به مراحل زندگی انسان اشاره کرده است؛ از مرحله خاک، نطفه، علقه، به دوره‌ی کودکی، جوانی و بعد از آن دوران پیری فرا می‌رسد البته همه‌ی افراد به روزگار سال‌مندی نمی‌رسند و پیش از رسیدن به این مرحله می‌میرند. خداوند در تبیین مهم‌ترین ویژگی‌های مراحل زندگی انسان از نظر توانمندی، می‌فرماید: «خدا شما را آفرید درحالی‌که ضعیف بودید و سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرارداد...». این آیه آفرینش انسان را دارای سه دوره تحول می‌داند که از ناتوانی آغاز می‌شود و به مرحله قوت و نیرومندی می‌رسد و پس از مدتی در مرحله سوم به ضعف و ناتوانی کشیده می‌شود.

قرآن با بیان ویژگی‌های انسان از نظر توانمندی در مراحل مختلف زندگی برای سه گروه پیام دارد؛ نخست: به جوانان هشدار می‌دهد که نیروی جوانی پایدار نیست، تا می‌توانند از این نیرو برای خودسازی استفاده کنند و برای دوره سال‌مندی برنامه‌ریزی کنند.

تا رسد دستت به خود، شو کارگر چون فُتی از کار، خواهی زد به سر

به سال‌مندان نیز تذکر می‌دهد که ضعف‌ها و سستی‌های دوران سال‌مندی، سنت الهی و برنامه نظام آفرینش است. پس آن را به‌عنوان واقعییتی اجتناب‌ناپذیر، قبول کنند و خود را با شرایط این دوره سازگار کنند و از مشکلات این مرحله گلیه نکنند. در آخر به عموم افراد جامعه نیز یادآوری

می‌کند که انسان در دوره سال‌مندی مانند دوره کودکی، ضعیف و ناتوان می‌شود، به همین دلیل برای این دوره آدابی از نظر قواعد اسلامی و قرآنی در نظر گرفته شده‌است که عموم مردم لازم است این آداب را رعایت کنند و رعایت این آداب باعث ارتقاء سلامت روحی و روانی سال‌مندان می‌شود.

تعریف جامعی که می‌توان از سال‌مند کرد، این‌که؛ «سال‌مند کسی است که به دلیل کاهش توانایی و قدرت کار و بنیه‌ی حیاتی، برای برآوردن نیازهای حیاتی و اساسی خود به توجه و کمک دیگران نیاز دارد.» نباید فراموش کرد که ضروری‌ترین نیاز سال‌مندان، محبت و توجه به آن‌هاست، حتی اگر آن‌ها از نظر مادی بی‌نیاز باشند، نباید از محبت به ایشان غفلت ورزید.

این نوشتار در پی بیان دیدگاه اسلام در پاسخ این مسئله است که؛ آیا در آیات و روایات اهل بیت: برای تکریم و احسان به سال‌مندان حد و مرزی بیان شده‌است؟ ملاک تکریم سال‌مند از دیدگاه مکتب اسلام چیست؟ شیوه‌های ابراز تکریم سال‌مند از نظر اهل بیت: چیست؟

۱- مفهوم شناسی واژگان تحقیق

در ابتدا چند مفهوم مبنایی را به‌طور خلاصه بررسی می‌کنیم، این مفاهیم عبارت‌اند از:

۱-۱ مفهوم تعامل

در فرهنگ لغت فارسی تعامل به معنای با یکدیگر دادوستد کردن، برهم‌کنشی، بر یکدیگر اثر گذاشتن آمده‌است.

(دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، ج ۵، انوری، حسن، ۱۳۸۳، ص ۳۱۷) در علوم اجتماعی و انسانی مفهوم تعامل (interaction) کاربردهای ناهمگونی دارد، این مفهوم یکی از مضامین اصلی علوم اجتماعی است.

در آثار و نوشته‌های مربوط به این مبحث، تعامل و ارتباط غالباً به‌صورت مترادف به کار می‌رود. رفتار مرتبط افرادی که از طریق ارتباط بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، تعامل نامیده می‌شود.

این تعامل ممکن است جنبه‌های مثبت و یا منفی داشته باشد. از نظر دانشمندان علوم اجتماعی تعامل به معنای «همه‌ی واژه‌ها، نمادها و ایماء و اشاره‌هایی است که اشخاص به کمک آن‌ها به یکدیگر پاسخ می‌دهند.» (آوتویت، ویلیام. تام باتامور، ۱۳۹۲، ص ۷۶۶)

در روان‌شناسی اجتماعی معاصر، ارتباط غیرکلامی مثل؛ حالات چهره، رد و بدل شدن نگاه‌ها، حرکات بدن، رفتار مکانی، رفتار فرازبانی و از این قبیل (زبان بدن)، اهمیت شایانی برای فهم، برهم‌کنشی یا همان تعامل دارد. امروزه این واژه در معنای ارتباط متقابل، رفتار و نحوه برخورد ما با دیگران به کار می‌رود.

در این مقاله منظور از تعامل: «نحوه برخورد و رفتار با سال‌مند» مدنظر است.

۱-۲ مفهوم سال‌مندی در لغت و اصطلاح

سال‌مندی، مفهوم پیچیده‌ای نیست ولی با توجه به دوره‌های گوناگون آن، در زبان عربی واژه‌های متعددی برای آن به کار گرفته شده است.

در معجم‌های عربی، واژه «طفل» برای دوره خردسالی، «شاب» و «فتی» برای دوره جوانی، «کهل» برای فرد کامل و مُسن. (جوهری، اسماعیل بن حماد، ص ۱۸۱۳؛ ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۱۳) «شیخ» برای دوره میان‌سالی و بعدازآن، (ابن منظور، محمد، ج ۶، ص ۳۱، ۶۲، فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ج ۱، ص ۳۶۳) و «هرم» برای انتهای سال‌مندی و پیری- که همراه با فرتوتی و ضعف قوای جسمی و ادراکی است- به کار می‌رود. (همان: ج ۴، ص ۱۶۷؛ ابن‌منظور، محمد، ج ۱۲، ص ۶۰۷: الهرم القصی الکبیر).

واژه «عَجوز» نیز که در لغت به معنای ناتوان است به سال‌مند هم چون نیرو و توان خود را در بیش‌تر کارها از دست داده و ناتوان شده است عَجوز می‌گویند، البته بیش‌تر کاربردش برای زن سالخورده می‌باشد. واژه‌های «مشیب، ذوشیبه» و «کبیر» نیز بدون اشاره به سن خاصی برای بزرگ‌سالی و سال‌مندی به کار می‌روند. (ابن فارس، احمد بن ارس، ج ۳، ص ۲۳۲؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، ج ۱، ص ۱۵۹) برای مفهوم سال‌مندی در روزگار کنونی و در اصطلاح علم

پیری‌شناسی (Gerontology) تعاریفی ارائه شده است. سال‌مندی، فرایندی زیست‌شناختی است که زمینه‌ی برخی دگرگونی‌های طبیعی را در کالبد جانداران و کاهش نیروی آنان به‌ویژه انسان فراهم می‌آورد. در بعد روانی نیز به معنای فرسودگی تدریجی انسان است که موجب می‌شود طراوت و شادابی، عزم و اراده، اعتماد به‌نفس، قدرت خطرپذیری و احساس مفید و مولد بودن کاهش یابد. (رک: سند ملی سالمندان کشور، ۱۳۹۶) برخی تغییرات روحی و روانی، فرد سال‌مند را به‌تدریج نیازمند پاره‌ای مراقبت‌های بهداشتی می‌کند. افزون بر این کاهش فعالیت‌های اقتصادی و فزونی گرفتن هزینه‌های درمانی و مراقبتی، سال‌مندان را با دشواری‌های بیش‌تری در زندگی روزمره روبه‌رو می‌کند.

در روزگار کنونی و با توجه به وضعیت زندگی انسان و آسانی و دشواری‌های آن، در ایران عبور از سن ۶۰ سالگی، مرز سال‌مندی خوانده شده است. (همان: ۱۳۹۶)

طبق سند ملی سالمندان کشور، بر پایه افزایش سن و تغییرات و نقصان بیش‌تر، سال‌مندان به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند؛ سال‌مند جوان (۶۰ تا ۷۵ سال)، سال‌مند پیر - میان‌سال (۷۶ تا ۹۰ سال)، سال‌مند خیلی پیر - کهن‌سال (۹۰ سال به بالا).

این دسته‌بندی، نشان می‌دهد که سال‌مندی لزوماً با فرتوتی مترادف نیست. پیران فرتوت، از عهده کارهای معمولی و روزمره‌ی خود نیز به‌سختی برمی‌آیند، درحالی‌که سال‌مندان می‌توانند مانند دیگر افراد، فعالیت اقتصادی یا اجتماعی تمام یا نیمه‌وقت داشته باشند. گفتنی است کاستی و سستی هرکس، باید با جوانی خود او سنجیده شود. علاوه براین، شتاب تغییرات در افراد متفاوت، یکسان نیست، اما به‌طور عموم وجود دارد.

۳-۱ مفهوم سال‌مندی در متون دینی

مطالعه آیات و احادیث نشان می‌دهد فرهنگ دینی و عرفی و علمی در نگرش به مفهوم سال - مندی همانند هستند. قرآن با کاربرد واژه‌هایی مانند «شیب: موی سفید»، «شیخ: سال‌مند»، «کِبَر: بزرگ‌سالی» و ترکیب‌هایی مانند «أرذل العمر: پست‌ترین دوره‌ی زندگی»، «وَهْنُ الْعَظْم: سستی

شدن استخوان»، تعدد و تفاوت دوره‌های عمر انسان را نشان داده و به سال‌مندی اشاره کرده است. احادیث نیز با کاربرد همین واژه‌ها و نیز واژه‌های دیگری مانند «هَرم» و ترکیب‌هایی مانند «طول العمر» و «ذوشیبه: ریش سفید» همسو با قرآن کریم هستند.

قابل ذکر است، از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی «طول عمر» مطلوب، ولی «هَرم» و «ارذل العمر» نامطلوب است.

در قرآن کریم به برخی از علائم و نشانه‌های سال‌مندی و پیامدهای پیری اشاره شده است، مانند: سستی استخوان (مریم، آیه ۴) و سفیدی موی سر، ناتوان گشتن از فرزندآوری، (هود، آیه ۷۲، حجر، آیه ۵۴، مریم، آیه ۸) کم‌توان شدن و انجام ندادن کارهای نیازمند به قدرت بدنی (قصص، آیه ۲۳)

در احادیث و روایات نیز کاستی و ضعف حرکتی و حتی ناتوانی انجام کارهای معمولی مانند غذا خوردن و انجام نظافت شخصی و نیز ضعف دستگاه گوارش از ویژگی‌های افراد پیر و کهن‌سال دانسته شده است. اموری که امروزه نیز در تعریف علمی پیری به آن اشاره شده است.

حضرت داود علیه السلام در شکوه از حال خود می‌گوید: «یا رَبِّ طَالَ عُمُرِي وَكَبِرَتْ سِنِّي وَضَعُفَ رُكْنِي...» ای پروردگار من! عمرم دراز و سنم زیاد و چهارستون بدنم سست گشته است. (أبی شیبه، عبدالله، ج ۷، ص ۷۰)

۲- آداب تعامل با سالمندان از منظر قرآن و روایات

برای تعامل و رفتار پسندیده با سالمند، اولین قدم برقراری ارتباط مناسب است. نکته‌ای که در ارتباط و تعامل مثبت با سالمندان نباید فراموش کرد اینکه هر فرد دارای عقاید، ارزش‌ها، باورها و فرهنگ خاص خودش است و باید با توجه به عقاید و دیدگاه‌های فرد سالمند با او رفتار کرد. از آنجا که ما در کشوری اسلامی زندگی می‌کنیم و مسلمان هستیم باید تحقیق کنیم در آیین و مکتب اسلام در مورد نحوه رفتار با بزرگسالان چه توصیه‌هایی وارد شده است.

در قرآن و روایات ائمه معصومین: در مورد تعامل با افراد بزرگسال و سال‌مند سفارش‌هایی ارائه شده‌است تا افراد اجتماع بر اساس آن‌ها رفتار خود را تنظیم کنند. این توصیه‌ها می‌توانند نقش راهبردی و جهت‌گیری کلی رفتار با سال‌مند را به ما نشان دهند.

۲-۱ تعامل جامعه و عموم مردم با سال‌مند

گذر عمر از جوانی به پیری یک سنت الهی است. لذا فردی که از دوران جوانی، که دارای قوت و نیرو بوده، عبور کرده و به سال‌مندی که همراه با ناتوانی و ضعف است، رسیده باید بتواند به‌صورت آبرومندانه و با حفظ کرامت انسانی‌اش در اجتماع زندگی کند.

امروزه، از مشکلات دوره سال‌مندی در جامعه، محرومیت تدریجی سال‌مندان از برخی حقوق ساده‌شان است. تعامل نامناسب برخی از افراد جامعه با سال‌مندان سبب می‌شود که آن‌ها به تدریج از برخی فعالیت‌ها کنار گذاشته شوند، پرستاران و مراقبان آن‌ها از فشار کار به تنگ آیند، محبت‌ها و دلسوزی‌ها کم‌رنگ شود و حرمت سال‌مندان زیر پا گذاشته شود. گاهی با آن‌ها مخالفت‌های شدید می‌شود و گاهی هم کوچک‌ترها خود را بر آن‌ها مقدم می‌دارند. فقر، اضطراب، نگرانی، پریشان‌حالی و فراموشی نیز در موارد بسیاری، دامن‌گیر سال‌مندان می‌شود و همراه با افزایش هزینه‌های مراقبتی و درمانی، کاهش چشم‌گیری در درآمد آنان روی می‌دهد. این مشکلات، جدا از بی‌احترامی‌های گاه‌وبیگاه جوانان با آن‌ها است که عرصه را بیش از پیش بر سال‌مندان جامعه تنگ می‌کند. در یک جامعه متعادل و اسلامی مردم در رابطه با سال‌مندان وظایف و مسئولیت‌هایی دارند که باید آن را رسماً مورد عنایت قرار دهند، تخلف و انحراف از آن نه تنها موجب خشم خداست بلکه نظام حیات را هم دگرگون می‌کند.

در قرآن کریم و روایت ائمه معصومین: مهم‌ترین ویژگی دوره سال‌مندی ضعف و سستی شمرده شده‌است. «خدا شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آنگاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری برگردانید...» (روم، آیه ۵۴) و از آنجا که قوای بدنی و به تبع آن روانی سال‌مند رو به ضعف می‌رود و در برخی از سال‌مندان این دوره همراه با نسیان و فراموشی هست و به دنبال چنین تحول جسمی

و روحی در سال‌مند است که باید با سال‌مند و بزرگ‌سال تعاملات ویژه‌تری داشته باشیم. اما سؤالی که ممکن است ذهن را درگیر کند اینکه ملاک و معیار برای احترام به بزرگ‌سالان چیست؟ در این راستا ابتدا به توضیح ملاک و معیارهای احترام به بزرگ‌سالان می‌پردازیم، سپس مصادیقی از اکرام و تعظیم سال‌مندان در جامعه را که در روایات ائمه معصومین: آمده، بیان می‌کنیم.

۲-۱-۱ ملاک احترام به سال‌مندان و بزرگ‌سالان

از نظر معارف دینی، ملاک احترام به دیگران، قدرت و توان جسمی و مالی نیست؛ چنانچه هر یک از این دو ملاک، معیار باشد، بسیاری از خردسالان و بزرگ‌سالان فاقد این ویژگی هستند.

با توجه به آیات قرآن کریم، خداوند هم خردسال و هم بزرگ‌سال را، با عنوان «ضعیف» معرفی می‌کند، «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ...» (روم، آیه ۵۴) یعنی هم کودک ضعیف است و هم بزرگ‌سال. در این میان توان‌مندی برای افراد میان‌سال و جوان است. حال اگر ملاک احترام به دیگران قدرت و توانایی باشد، طبیعتاً نه کودک دارای این دو ملاک است؛ نه بزرگ‌سال.

قرآن کریم در بیان داستان حضرت زکریا عليه السلام و مناجات او با خداوند از «إِنِّي وَهِنَ الْعَظْمِ مِنِّي» یاد می‌کند که دال بر توسل حضرت زکریا عليه السلام به درگاه الهی است و این یعنی ارزش‌مند بودن سن بالا و پیری در نزد خداوند است.

بر طبق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «احترام نهادن به مسلمان سپیدموی (سالخورده)، احترام به خداوند است.» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۲ ص ۱۶۵) درحالی‌که مسلمان سپیدموی یک فرد سال‌خورده است که فاقد قدرت و توانایی جسمی می‌باشد. پس ملاک احترام، توانایی جسمی و مالی نیست، بلکه صرف سال‌مند و بزرگ‌سال بودن، فرد را شایسته احترام می‌کند.

از دیدگاه امام سجاد عليه السلام سال‌مند را به خاطر مُسن بودنش احترام کن، با او با طمأنینه، آرام و آهسته رفتار کن، و نیز شأن و منزلتش را بالا ببر، زیرا او قبل از تو به اسلام وارد شده‌است. «حَقُّ الْكَبِيرِ فَإِنَّ تَوْقِيرَهُ لِسُنَّةٍ وَ إِجْلَالُهُ لِتَقْدَمُهُ فِي الْإِسْلَامِ قَبْلَكَ...» (یثربی، سید محمد، ج ۳، ص ۴۰۱)

پیامبر اکرم ﷺ از مصادیق احترام به خویش را تکریم سال‌مند می‌دانند و می‌فرمایند: «إِنَّ مِنْ إِجْلَالِي تَوْقِيرَ الشَّيْخِ مِنْ أُمَّتِي.» (متقی هندی، علاءالدین بن حسام، ج ۳، ص ۱۷۲)

بالا رفتن سن انسان باعث وسعت رحمت الهی است، رحمت الهی بی‌نهایت است و به مناسبت‌های گوناگون و با هر بهانه‌ای رحمتش را بروز می‌دهد و بندگانش را با آن می‌نوازد. خداوند برای هر دهه‌ای از زندگی انسان رحمتی را عنایت می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا بَلَغَ الْمُؤْمِنُ الْخَمْسِينَ خَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ سِتِّينَ سَنَةً رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ فَإِذَا بَلَغَ السَّعِينَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِينَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِإِثْبَاتِ حَسَنَاتِهِ وَإِلْقَاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التَّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَكُتِبَ أُسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۸، ص ۱۰۸)

چون مومن به پنجاه‌سالگی رسد خداوند حسابش را سبک گیرد، و چون به شصت‌سالگی رسد خداوند به او توفیق توبه کردن را روزی کند، هرگاه به هفتادسالگی رسید خدا و اهل آسمان دوستش بدارند، و هرگاه به هشتاد رسید خداوند فرمان به نوشتن حسنات و حذف بدی‌هایش دهد و هرگاه به نودسالگی رسید خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را ببخشد و جزء اسیران خدا در زمین به حساب آید.

این کلمات بیان‌کننده آن است که «صِرف سال‌مندی و بزرگی سن»، مورد احترام و تکریم نبی اکرم ﷺ است و فضیلت دیگری، اضافه بر سن انسان، برای تکریم و تعظیم نیاز نیست. بنابراین از منظر مکتب اخلاقی اسلام، ارزش‌ها و معیارهای دیگری هم برای تجلیل و احترام وجود دارد که یکی از مصادیق بزرگی و تکریم افراد، کِبَرِ سِنِ و بزرگ‌سال بودن فرد است و از اصیل‌ترین اصول اخلاق اجتماعی، حرمت نگاه‌داشتن بزرگ‌تر است.

از مجموع روایات استفاده می‌شود که شیخوخیت و بزرگی سن و سال یک معیار ارزشی است؛ اگر کسانی می‌خواهند خود را متعلق به اخلاق اسلامی و دینی نمایند، باید بزرگسالان را اعم از زن و مرد احترام کنند.

۲-۱-۲ تکریم و تعظیم سال‌مندان در جامعه

یکی از سنت‌های پسندیده، تکریم و احترام بزرگان و کهن‌سالان جامعه هست که در عصر ماشین و فن‌آوری، روبه‌زوال بوده و توجه کمی به آن می‌شود.

تعامل همراه با احترام نسبت به سال‌مندان با توجه به سنت‌ها و فرهنگ‌ها متفاوت است و براساس عرف هر جامعه تعریف می‌شود ولی از اصول انسانی است که در همه جا یافت می‌شود و همه جوامع بدان پایبندند و آن را جزء ادب اجتماعی می‌دانند که باید افراد نسبت به هم رعایت کنند.

دوره سال‌مندی چون همراه با ضعف جسمانی است در نتیجه برسرعت، حرکت، فعالیت، حتی سرعت صحبت کردن، سنگین شدن گوش سال‌مند اثر می‌گذارد، لذا بر دیگران لازم است که سال‌مند را با همین ویژگی‌ها مد نظر داشته باشند و در برخورد با آنان رعایت حال آنان را بکنند. آن‌ها هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی - روانی درخور تکریم و تعظیم می‌باشند وظیفه هر فرد است که آن‌ها را در تمام شئون زندگی خاصه در پیری و رنجوری و درماندگی احترام نماید.

در فرهنگ غنی ایرانی و هم‌چنین در آموزه‌های دینی، احترام و حفظ کرامت سال‌مندان مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. سال‌مندان از برکات جامعه هستند. «الْبِرَّكَةُ مَعَ الْكِبَرِ كُمْ» و تعظیم و تکریم آنان موجب تحکیم ارزش‌ها و روابط اجتماعی است و سبب می‌شود که آنان از ضررها و لطمات روحی و روانی فاصله بگیرند و کم‌تر احساس تنهایی کنند.

طبق فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی از صور تکریم و تعظیم ذات اقدس الهی، احترام و تجلیل سال‌خوردگان مسلمان است.

«مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ.» (کلینی، محمدبن یعقوب، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۱) و هم‌چنین در کلامی دیگر، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بی‌احترامی به بزرگان را دوری از خود می‌داند و می‌فرماید:

«بَجِّلُوا الْمَشَائِخَ؛ فَإِنَّ تَبَجِيلَ الْمَشَائِخِ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ يُجَجِّلْهُمْ فَلَيْسَ مِنَّا»
(الطبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، مشکاه الانوار، ص ۲۹۴ و ۸۹۳)

سال‌مندان را بزرگ شمارید که بزرگداشت سال‌مندان، بزرگداشت خداوند است و هرکس آن‌ها را بزرگ ندارد، از ما نیست.

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی به اجلال و تکریم بزرگسال اشاره می‌فرماید:

«مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ الْمُؤْمِنِ ذِي الشَّيْبَةِ، وَ مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا، فَبِكْرَامَةِ اللَّهِ بَدَأَ، وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِمُؤْمِنٍ ذِي شَيْبَةٍ أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَنْ يَسْتَخِفُّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۵)

بزرگداشت مؤمن ریش سفید، بزرگداشت خداست، و هر کس مؤمنی را گرامی بدارد، در اصل، خدا را گرامی داشته است و هرکس مؤمن ریش سفیدی را خوار کند، پیش از آن‌که بمیرد، خداوند کسی را به سراغش می‌فرستد تا خوارش کند.

از جمله رفتارهای شایسته‌ای که در روایات ائمه معصومین: در تعظیم، تکریم و احترام پیران و سال‌مندان جامعه تأکید شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد: اکرام سال‌مندان در مجامع عمومی و خصوصی، مقدم شدن در سلام کردن، جا گشودن در مجلس، مقدم کردن آنان در سخن، گوش سپردن به سخنان سال‌مند، احترام نگاه‌داشتن در آموزش، رعایت حال سال‌مند در نماز، راه نرفتن جلوتر از سال‌مند، عدم موضع‌گیری در برابر سال‌مند، استفاده از تجربیات سال‌مندان، بردباری در مقابل خواسته‌های سال‌مند و... حال به توضیح بیش‌تر روایاتی که در این موارد ذکر شده است می‌پردازیم.

۱-۲-۱-۲-۱-۲ اکرام سال‌مندان در مجامع عمومی و خصوصی

اکرام بزرگسال یعنی او را نه تنها در ظاهر بزرگ شمردن بلکه او را در باطن و عمل هم عزیز و گرامی دانستن است، با احترام از او حمایت شود و حریم و حقوقش مورد تجاوز قرار نگیرد. از

رفتارهای مناسب با بزرگسالان، تکریم و احترام آنان در مجالس، مهمانی‌ها و مکان‌های عمومی است.

در حکایتی به نقل از آنس آمده است؛ پیرمردی برای رفع نیازش نزد پیامبر ﷺ آمد. کسانی که در محضر او بودند، احترامش نکردند و اطرافیان در گشودن جا برای پیرمرد کندی کردند. حضرت از این رفتار خلاف ادب آنان ناراحت شد و خودشان بلند شده و جا برای پیرمرد باز کرده و آنگاه فرمود: «لَيْسَ مِنْنا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ يُؤَفِّرْ كَبِيرَنَا»، از ما نیست کسی که بر خردسال ما رحم نکند و بزرگسال ما را تکریم ننماید. (ورّام، ابوالحسین، ج ۱، ص ۳۴)

سال‌مندان با عمری تلاش و گذراندن پستی و بلندی‌های زندگی به مرحله‌ای رسیده‌اند که نیازمند احترام، تکریم، محبت و مورد توجه قرار گرفتن در مجامع عمومی و خصوصی می‌باشند. احترام گذاشتن به سال‌مندان حتی در خیابان وقتی عبور از عرض آن برای آن‌ها دشوار است، احترام به آن‌ها محسوب می‌شود. گرفتن بار سنگین‌شان، کمک کردن برای سوار شدن یا پیاده شدن، همه و همه احترام به آن‌هاست و باعث ایجاد احساس همدلی در مردم می‌شود.

۲-۱-۲ مقدم شدن در سلام کردن

سلام کردن، امری مستحب و نشانه دوری انسان از تکبر است. سلام کردن، بزرگ و کوچک ندارد و هرکس می‌تواند برای بهره‌مندی بیش‌تر از ثواب، ابتدا سلام کننده باشد، ولی بهتر است برای احترام به بزرگ‌ترها، همواره کوچک‌ترها آغاز کننده سلام باشند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۴، ص ۴۶۳)
- کوچک‌تر به بزرگ‌تر سلام کند.

۲-۱-۳ مقدم کردن سال‌مند در سخن گفتن

از دیگر مصادیق تکریم سال‌مند در روایات، سخن نگفتن پیش از بزرگسال است. در روایتی از امام صادق علیه السلام که به نقل از پدرانش می‌فرماید:

«جاءَ رَجُلَانِ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ شَيْخٌ وَ شَابٌ، فَتَكَلَّمَ الشَّابُّ قَبْلَ الشَّيْخِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ الْكَبِيرَ الْكَبِيرَ»
(الطبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، مشکاه الانوار، ص ۲۹۴ ح ۱۸۹۵)

دو مرد پیر و جوان نزد پیامبر ﷺ آمدند و جوان پیش از پیر مرد شروع به سخن کرد، پیامبر ﷺ فرمود: « [اول] بزرگ، بزرگ، یعنی اول بزرگ‌تر صحبت کند.

در کتاب صحیح مسلم، از سهل بن ابی حثمه نقل می‌کند:

« إِنَّ مُحَيِّصَمَةَ بِنَ مَسْعُودٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بِنَ سَهْلٍ انْطَلَقَا قَبْلَ خَيْرٍ... فَجَاءَ أَخُوهُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ ابْنَا عَمِّهِ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَتَكَلَّمَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ فِي أَمْرِ أَخِيهِ وَ هُوَ أَصْغَرُ مِنْهُمْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَبِيرُ الْكُبَرَى - أَوْ قَالَ -: لِيَبْدَأَ الْأَكْبَرُ. » (الحججاج القشيري، مسلم، ج ۳، ص ۱۲۹۲، ح ۲)

محیصه و عبدالله پیش از نبرد خیر رفتند و در نخلستان از هم جدا شدند. عبدالله بن سهل کشته شد و انگشت اتهام متوجه یهودیان شد. برادر عبدالله و پسران عمیوش نزد پیامبر خدا ﷺ آمدند و عبدالرحمان که از آنها کوچک‌تر بود، درباره کشته شدن برادرش آغاز به سخن کرد. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «بزرگان را بزرگ بار» یا فرمود: «بزرگتر آغاز کند».

۲-۱-۲-۴ جا گشودن در مجلس

یکی دیگر از مواردی که عموم مردم در تعامل با سال‌مند لازم است رعایت کنند، جادادن افراد سال‌مند در هنگام ورود به مجالس و محافل عمومی و خانوادگی است و حتی برخاستن به قصد احترام ایشان و نشان دادن آن‌ها بر صدر مجلس و... جزو مکارم اخلاقی به شمار می‌آید.

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «لَا يُوسَعُ الْمَجْلِسُ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ: لِذِي سِنَّ لِسِنَّةٍ، وَلِذِي عِلْمٍ لِعِلْمِهِ وَ لِذِي سُلْطَانٍ لِسُلْطَانِهِ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۲، ص ۳۶۰)

مجلس را جز برای سه نفر نگشایند: سال‌مند به خاطر سنش، دانشمند به خاطر علمش و قدرتمند به خاطر قدرتش.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِذَا تَأْتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَأَكْرَمُوهُ» (همان: ج ۲، ص ۶۵۹)، هرگاه بزرگ قومی بر شما وارد شد، گرامی‌اش بدارید و این گرامی داشتن شامل؛ برخاستن از جای خود، سلام کردن و تمام آداب اجتماعی می‌شود. به‌عنوان مثال: وقتی بزرگ‌سالی سوار اتوبوس یا مترو می‌شود افراد جوان‌تر بر خود تکلیف مهم بدانند که برای افراد بزرگ‌سال به حرمت سَنَنان جا باز کنند تا بنشینند، اما متأسفانه این امر تا حدودی در جامعه امروزی ما بسیار کم‌رنگ شده‌است.

۲-۱-۲-۵- گوش سپردن به سخنان سال‌مند

بزرگ‌ترها به دلیل تجربه‌هایی که دارند، حرف‌های ارزشمند منطقی برای گفتن دارند. از این رو، نباید از کنار حرف‌های درست و منطقی آنان بی‌اعتنا گذشت. پس باید به حرف‌ها و درد دل‌های آنان به مهربانی گوش سپرد. گوش دادن فعالانه و موثر چیزی بیش از شنیدن ساده است و در واقع همدلی با سال‌مند است. همدلی با سال‌مند یعنی خودمان را جای فرد سال‌مند بگذاریم و بفهمیم که او در موقعیت‌های مختلف چه فکر یا احساسی دارد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره با افراد سال‌مند چنین بود. به حرف‌های آنان گوش می‌داد و به مهربانی پاسخ می‌گفت. عدی بن حاتم طایی در احوالات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید: «وقتی وارد مدینه شدم، به مسجد رفتم و به محضر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیدم. چون مرا شناخت، از جا برخاست و مرا به خانه‌اش برد. در بین راه، زنی سال‌مند و ناتوان سر راهش آمد و خواسته‌ها و حاجات خود را به پیامبر بیان کرد. در مدتی که آن زن سخنان خود را می‌گفت آن حضرت روی پا ایستاده بود و به حرف‌های او با دقت گوش می‌کرد و با کمال مهربانی به او جواب می‌داد.» (سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۲۷؛ به نقل از تعالیم آسمانی اسلام، ص ۱۴۷)

۲-۱-۲-۶- مقدم شمردن سال‌مند در امر امام‌جماعت

کلینی در الکافی، روایتی آورده‌است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام یکی از شرایط حق تقدّم امام‌جماعت بر دیگری را «مُسْن بودن فرد» می‌دانند.

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْقَوْمِ مِنْ أَصْحَابِنَا يَجْتَمِعُونَ، فَتَحْضُرُ الصَّلَاةَ، فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: تَقَدَّمَ يَا فَلَانُ. فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: يَتَقَدَّمُ الْقَوْمَ أَقْرَبُهُمْ لِلْقُرْآنِ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَكْبَرُهُمْ سِنًا، فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَلْيَوْمُهُمْ أَغْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ وَ...» (كليني، محمدبن يعقوب ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۵)

از امام صادق عليه السلام درباره گروهی از یارانمان پرسیدم که گرد هم هستند و [چون] وقت نماز می‌رسد، هریک به دیگری تعارف می‌کند که امامت نماز را برعهده بگیرد. امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: آن‌که قرآن بهتر می‌خواند، امامت جمع را برعهده گیرد؛ اگر در قرائت یکسان بودند، آن‌که در هجرت مقدم‌تر است، پیش نماز شود و اگر در هجرت نیز یکسان بودند، آن‌که سنش بیش‌تر است و مسن‌ترین است، به عهده گیرد. اگر همسن بودند، آن‌که به سنت، داناتر و در دین فقیه‌تر است...

قابل ذکر است که مطلق سال‌مند بودن معیاری برای مقدم شدن سال‌مند در نماز بیان نشده‌است بلکه مراحلی در روایت آمده که باید توجه کرد.

هم‌چنین در صحیح البخاری نیز به نقل از مالک بن حویرث، روایتی را بیان می‌کند، که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله در توصیه‌ای که به گروهی از جوانان داشتند، فرمودند: «چون وقت نماز شد، یکی از شما اذان بگوید و بزرگ‌ترین‌تان پیش‌نمازتان شود.»

«أَتَيْنَا النَّبِيَّ وَ نَحْنُ سَبَبَةٌ مُتَارِبُونَ، فَأَقَمْنَا عِنْدَهُ عَشْرِينَ لَيْلَةً، فَظَنَّ أَنَا اشْتَقْنَا أَهْلَنَا، وَسَأَلْنَا عَمَّنْ تَرَكْنَا فِي أَهْلِنَا، فَأَخْبَرَنَا، وَكَانَ رَفِيقًا رَحِيمًا، فَقَالَ: ارْجِعُوا إِلَى أَهْلِيكُمْ، فَعَلِمُوهُمْ وَمَرُّوهُمْ، وَصَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي، وَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ، فَلْيُؤَدِّدْ لَكُمْ أَحَدُكُمْ، ثُمَّ لِيَوْمِكُمْ أَكْبَرُكُمْ» (البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل، ج ۸، ص ۹، ح ۶۰۰۸)

ما جوانانی تقریباً هم‌سن بودیم نزد پیامبر آمدیم و ۲۰ روز نزد ایشان ماندیم. پیامبر، دلسوز و مهربان بود و چون فهمید دل‌مان هوای خانواده‌مان را کرده، از ما درباره کسانی پرسید که در خانواده ترکشان کرده بودیم. پس فرمود: به‌سوی خانواده‌تان برگردید و [احکام دین را] یادشان

دهید و آنان را امر [و نهی] کنید و نماز بخوانید، همان‌گونه که دیدید من نماز می‌خوانم و چون وقت نماز شد، یکی از شما اذان بگوید و بزرگ‌ترین‌تان پیش‌نمازتان شود.

۲-۱-۲-۷ رعایت حال سال‌مند در نماز جماعت

از دیگر سفارش‌های ائمه معصومین: برای تکریم سال‌مند رعایت حال سال‌مندان در نماز جماعت است. کسی که پیش‌نماز می‌شود باید نماز را کوتاه و مختصر کند، زیرا ممکن است پشت سرش بزرگ‌سال، سال‌خورده و یا ناتوانی اقتداء کرده باشد.

رسول الله ﷺ: «إِذَا أُمَّ أَحَدَكُمُ النَّاسَ فَلْيُخَفِّفْ؛ فَإِنَّ فِيهِمُ الْكَبِيرَ وَالصَّغِيرَ وَالضَّعِيفَ وَالْمَرِيضَ، فَإِذَا صَلَّى وَحَدَّةً فَلْيُصَلِّ كَيْفَ شَاءَ» (الحجج القشیری، مسلم، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۳)

هرگاه یکی از شما پیش‌نماز مردم می‌شود، نماز را کوتاه کند که میان آنان، خردسال و بزرگ-سال و ناتوان و بیمار هست و چون تنها نماز می‌خواند، هرگونه خواست، نماز بخواند.

امام صادق علیه السلام نیز به معاویه بن عمار در مورد تعداد تکبیرهای نماز توصیه می‌فرماید: «يُجْزِيكَ إِذَا كُنْتَ وَحْدَكَ ثَلَاثُ تَكْبِيرَاتٍ وَإِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْزَاكَ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَالضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ» (ابن بابویه، محمدبن علی، ص ۳۳، ح ۱)

وقتی تنها هستی، سه تکبیر کافی است و هرگاه پیش‌نماز هستی، یک تکبیر کفایت می‌کند؛ زیرا با تو [در میان مأمومان] افراد نیازمند (گرفتار) و ناتوان و سال‌خورده نیز وجود دارند.

۲-۱-۲-۸ پیشی نگرفتن از سال‌مند

وقتی انسان با بزرگ‌سالی همراه است، باید مراقب حال او باشد، چون دوره سال‌مندی همراه با ضعف جسمانی، کم‌توانی و بیماری است در نتیجه بر سرعت، حرکت، فعالیت، حتی سرعت صحبت کردن، سنگین شدن گوش سال‌مند اثر می‌گذارد، لذا بر دیگران لازم است که سال‌مندان را با همین ویژگی‌ها مدنظر داشته باشند و در تعامل و رفتار با آنان خود را هم‌نیرو و در حد توان

ایشان قلمداد کرده و از سرعت حرکتی، کلامی خود بکاهند، جلوتر از سال‌مند راه نروند و در راه رفتن بر ایشان پیشی نگیرند، در خوردن و آشامیدن آنان را مقدم بدانند.

سبقت گرفتن در هیچ کاری بر بزرگ‌سال جایز نیست؛ مثلاً اگر سفره‌ای گسترده است، مادام که بزرگان خانه، اعم از مرد یا زن، پیرمرد یا پیرزن، شروع به خوردن نکرده‌اند دیگران و کوچک‌ترها شروع نکنند.

از ابن عباس نقل شده است؛ پیامبر در هنگام نوشیدن آب بزرگان را بر خود مقدم می‌داشت. «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَقَى قَالَ: «ابْدِءُوا بِالْكَبِيرِ، أَوْ بِالْأَكْبَرِ» (الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، ج ۴، ص ۱۲۹، ح ۳۷۸۶)

پیامبر خدا چون برایش آب آوردند، فرمود: «از بزرگ یا بزرگان آغاز کنید.»

در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام در بند چهل و چهارم در مورد حق سال‌مند می‌فرماید: «... وَلَا تَسْبِقْهُ إِلَى طَرِيقٍ وَلَا تَوَمَّهْ فِي طَرِيقٍ...» (یثربی، محمد، ج ۳، ص ۴۰۱)

در هیچ کار بر بزرگ‌سال سبقت نگیری و به هنگام راه رفتن از او پیشی نگیری. (پیشاپیش او راه نروی).

۲-۱-۲-۹ عدم موضع‌گیری در برابر سال‌مند

یکی از مصادیق تکریم سال‌مند این است که هرگز خود را با بزرگ‌سال در موضع مخالفت و دشمنی قرار ندهی؛ (یعنی هنگام بگو و مگو و مجادله با ایشان کوتاه بیایی)، چراکه به‌طور طبیعی انسانی که عمری از او گذشته، انتظارات و توقعات بیش‌تری از دیگران پیدا می‌کند و ممکن است به دلیل داشتن این روحیه طبیعی، همیشه خود را از دیگران طلبکار ببیند؛ که گاهی منتهی به عداوت و دشمنی و مخاصمه و درگیری می‌شود و چون احتمال دارد این روحیه، او را به سمت‌وسوی درگیری با دیگران بکشانند، طبعاً احترام او اقتضا می‌کند که دیگران با او درگیر نشوند و با او از در مخاصمه، جدل و دشمنی درنیایند.

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «... وَ تَرَكَ مُقَابَلَتَهُ عِنْدَ الْخِصَامِ» (یثربی، محمد، ج ۳، ص ۴۰۱) - هنگام دشمنی از رویارویی با سال‌مند بپرهیزی، پس درجایی که درگیری و جنگی بین افراد بزرگ‌تر و کوچک‌تر پیش می‌آید، بهتر است افراد جوان‌تر به احترام سن و سال بزرگ‌تر، از موضع‌گیری در برابر آنان خودداری کنند و از اشتباه‌هایشان درگذرند.

۲-۱-۲ استفاده از تجربیات سال‌مند

وجود پیر و سال‌مند چه در خانواده و چه در جامعه به مثابه آن است که به شخص بگویند این زمین با همه‌ی محصولی که داده در اختیار تو باشد و تا محصول از بین نرفته تمام محصول را برای خودت درو کن، حال اگر محصولی که تمام زحمات کاشت و داشت آن انجام شده و برای برداشت آماده است را در اختیار کسی قرار دهند غیرعقلانی است که آن را رها کرده تا گذشت روزگار آن را از بین ببرد. استفاده از تجربیات سال‌مند می‌تواند مصداق ره صد ساله را یک شبه پیمودن باشد.

وجود سال‌مند با تجربه در جامعه‌ی اسلامی، مایه‌ی خیر و برکت است. چنین سال‌مندی حق دارد از افراد اجتماع خود انتظار داشته باشد و برای خود، حقوقی قائل شود؛ زیرا اجتماع سالم، آباد و آزادی که اکنون افراد در آن زندگی می‌کنند و به رشد و شکوفایی و باروری رسیده‌اند، نتیجه‌ی تلاش‌های بی‌منت و خالصانه‌ی افرادی هم‌چون اوست. بسیاری از جوان‌ها در برابر تجربه پیران و بزرگان احساس بی‌نیازی می‌کنند و بر اثر این پندار غرورآمیز، سال‌ها از عمر خود را در کسب تجربه‌ای می‌گذرانند که می‌توانستند سال‌ها پیش، بدون صرف وقت و به‌رایگان، آن را از بزرگان، بی‌منت و بی‌ادعا به دست آورند. هیچ‌کس بی‌نیاز از تجربه بزرگان و پیش‌کسوتان نیست؛ طبق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام «مَنْ غَنِيَ عَنِ التَّجَارِبِ عَمِيَ عَنِ الْعَوَاقِبِ» (تمیمی آمدی، عبد الواحد، ص ۶۳۰)

کسی که خود را از تجربه‌ها بی‌نیاز بداند، سرانجام [امور] را نخواهد دید.

سال‌مندان، کوله‌باری از تجارب را بر دوش دارند. از این رو می‌توانند آن آموخته‌های گران‌بها را در اختیار جوانان قرار دهند که در هر تجربه‌ای موعظه و نصیحتی نهفته است و بدین مناسبت بر حرمت و عزت خویش بیفزایند.

حضرت علی علیه السلام سال‌مند با تجربه را دارای رأی و نظر قوی‌تری می‌داند؛ و می‌فرماید؛ هر کاری نیازمند استفاده از تجربه‌ها است. «أَمَلِكُ النَّاسِ لِسَدَادِ الرَّأْيِ كُلُّ مُجَرَّبٍ» (همان، ص ۶۳۰) حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «كُلُّ مَعُونَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى التَّجَارِبِ» (مجلسی، محمد باقر، ج ۷، ص ۷۵) - هر امر مشکلی [که کمک لازم دارد] به داشتن تجربه‌ها نیازمند است. هر شخصی نمی‌تواند تمام کارها را خود تجربه نماید، بلکه بهتر است از حاصل تجربه دیگران استفاده کند. باید تجارب دیگران را مطالعه کند و راه و روش‌هایی که آن‌ها طی کرده‌اند را بیاموزد و به رأی و نظرشان احترام بگذارد.

حضرت علی علیه السلام پند پیر را از رأی جوان دلیر بهتر می‌داند زیرا جوان بر اثر کمی تجربه ممکن است مغرور شده خود و یارانش را تباه سازد. می‌فرماید: «رَأَى الشَّيْخِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْغُلَامِ. وَ رُؤْيَ مَنْ مَشْهَدِ الْغُلَامِ» (نهج البلاغه، ص ۳۷۴، حکمت ۸۶)

تدبیر و اندیشه پیر را از دلیری [سرعت عمل] جوان دوست‌تر می‌دارم. [و در روایتی] از حاضر و آماده بودن جوان برای کارزار.

در ادبیات فارسی هم که نوعاً متأثر و برگرفته از معارف اسلامی و دینی است، به استفاده از تجربیات پیران و بزرگ‌سالان توجه شده است. حافظ سعادت و خوشبختی جوان را در پندپذیری از پیران و بزرگ‌سالان می‌داند؛

نصیحت گوش‌کن جانا که از جان دوست‌تر دارند جوانان سعادت‌مند، پند پیر دانا را

پند پیران، گران‌بهاست، گویا پیر در پنهان هر رخداد، نکته‌ها می‌بیند که دیده دیگران به دیدن آن نابیناست.

آن‌چه ببیند آن جوان در آینه پیر اندر خشت می‌بیند همه

۲-۱-۱۱ مشورت با سال‌مند

سال‌مندان باورهای وجودی جامعه هستند که می‌توان از این پشتوانه‌های حکمت و خردمندی و فرزاندگی بهره برد از ویژگی‌های پیرمردان و پیرزنان تجربه‌اندوزی است، آن‌ها در طول عمر صاحب تجربه شده و به همین سبب است که مشورت با اهل تجربه توصیه شده است. چنان‌که در سفارش‌های حضرت علی علیه السلام آمده است: «أَفْضَلُ مَنْ شَاوَرْتَ ذُو التَّجَارِبِ» (تمیمی آمدی، عبد الواحد، ص ۴۴۲، ۱۰۰۷۵)

برترین کسی که با او مشورت می‌کنید، باید دارای تجربه‌های فراوان باشد پس کسانی که تنها علم دارند ولی تجربه‌ای در زندگی ندارند، نمی‌توانند مشاوران خوبی باشند.

برای رعایت مسائل روحی سال‌مندان لازم است در مسائل مهم با ایشان مشورت شود تا احساس نکنند که خانواده و جامعه آنان را ترک کرده‌اند.

مشورت با بزرگسالان به نوعی معنای شخصیت دادن به کسانی است که صاحبان عقل و تجربه‌اند. حضرت علی علیه السلام صاحبان عقل و تجربه را برترین افراد برای مشورت کردن برمی‌شمارد. «خَيْرُ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوهُ النُّهْيِ وَ الْعِلْمِ وَ أَوْلُو التَّجَارِبِ وَ الْحَزْمِ» (همان: ص ۶۳۰) - بهترین مشاوران، خردمندان، دانشمندان، صاحبان تجربه‌ها و دوران‌دیشان هستند. سال‌مند و بزرگسال از جمله افرادی هستند که تجربه فراوانی دارند و از آرای پخته و اندیشه‌ای قوام‌یافته برخوردارند و می‌توانند مشاوران مناسبی باشند.

حضرت علی علیه السلام علاوه بر اینکه مشورت کردن با جوانان را در رأس قرار می‌دهد، ولی توصیه می‌فرماید درباره آن موضوع با پیران و سال‌مندان جامعه هم رایزنی کنید تا عیبش را به سبب تجربه‌ای که دارند پیدا کنند.

«إِذَا احْتَجَجْتَ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدَّ بِبِدَائِهِ الشُّبَّانُ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسْرَعُ حَدْسًا، ثُمَّ رُدُّهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رَأْيِ الْكُهُولِ وَ الشُّيُوخِ لِيَسْتَعْقِبُوهُ وَ يُحْسِنُوا، الْاِخْتِيَارَ لَهُ، فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ» (شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ۳۳۷، ۸۶۶) - هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. نتیجه آن را به نظر میان‌سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، زیرا که تجربه آنان بیش‌تر است

۲-۱-۲-۱۲ بردباری در مقابل خواسته‌های سال‌مند

مصدق دیگری از تکریم سال‌مند این است که انسان باید افراد بزرگ‌سال و سال‌مند را به منزله اهل‌بیت خود بداند «أَنْ تَجْعَلَ الْمُسْلِمِينَ بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ بَيْتِكَ فَتَجْعَلَ كِبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ وَالِدِكَ» (مجلسی، محمد باقر، ج ۷۱، ص ۱۵۶، ح ۱) و با ایشان بی‌ادبانه سخن نگوید؛ نباید توقعات زیاد و بی‌جایی از آنان داشته باشد، یا به آن‌ها سخنانی بگوید که از یک انسان آگاه و خردمند صادر نمی‌شود؛ بلکه باید در همه امور او را احترام کند و از برخورد جاهلانه با آنان بپرهیزد؛ و اگر احیاناً به دلیل سن و سال بالا و ضعف قوای جسمی و روحی، سخن نامربوطی به زبانش جاری شد، که از سال‌مند انتظار ندارد، نباید با وی برخورد کند؛ باید گفتار و رفتار وی را تحمل کرده و پذیرا باشد و از واکنش سوء بپرهیزد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «... وَ لَا تَسْتَجْهِلْهُ وَإِنْ جَهَلَ عَلَيْكَ تَحَمَّلْت»، (یثربی، محمد، ج ۳، ح ۴۴)

نابخردانه با بزرگ‌سال برخورد نکنی؛ و چنانچه او جهالت ورزید، تحمل کنی.

البته بزرگ‌ترها هم باید به‌گونه‌ای آگاهانه رفتار کنند تا واکنش جوانان را در پی نداشته باشد، ولی بهتر است کوچک‌ترها به دلیل تقدّم بزرگ‌ترها در اسلام، در برابر نادانی‌ها یا توهین و اهانت‌های آنان صبور و بردبار باشند.

۲-۱-۲-۱۳ احترام نگاه داشتن در امر آموزش

بزرگسالان به واسطه شرایط جسمانی و روحی خاصی که دارند و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، حافظه، نحوه فراگیری، تجارب آموخته شده و سایر جنبه‌های روان‌شناسی تفاوت‌هایی با کودکان و جوانان دارند که با در نظر گرفتن این شرایط آموزش‌شان دارای ویژگی‌های خاص است. باید توجه داشت در آموزش یا تذکر و یادآوری مطلبی به بزرگسالان مراعات سن آنها بشود؛ رعایت احترام و ادب در آموزش سال‌مند ضروری است.

در آموزش به سال‌مند باید مراقبت کرد که او را به خاطر ضعف و سستی که از ویژگی‌های این دوره است مورد تحقیر، تمسخر، سرزنش و عیب‌جویی قرار نگیرد. (سید قطب، ج ۶، ص ۳۳۴۴، در تفسیر آیه ۱۱ سوره حجرات «و قد تسخر الشابه من العجوز، و الغنیه من الفقیره») از جمله مصادیق استهزاء و مسخره کردن را تمسخر جوانان نسبت به سال‌مندان می‌داند. اگر اشتباهی در اعمال و یا افکار سال‌مند ملاحظه می‌شود به‌طور صریح به او تذکر داده نشود و معایب و خطاهایش به رخ کشیده نشود. بلکه با لحنی خوشایند و بی‌غرض و غیرصریح اشتباهش تذکر داده شود. اگر بزرگسال مرتکب خطا شد غرور او را جریحه‌دار نکنید، زیرا نفس آدمی برایش عزیز و گرامی است و لذا اجازه نمی‌دهد کسی خدشه‌ای به آن وارد آورد.

در روایتی که از برخورد حسنین رضی الله عنهما با پیرمرد جاهلی آمده است چند نکته نهفته است؛ اول اینکه تعلیم مسائل و ارشاد فرد ناآگاه، واجب است؛ اما اگر مستقیماً به پیر مردی گفته شود که: «وضوی تو، صحیح نیست»، گذشته از اینکه موجب رنجش خاطر او می‌شود، برای همیشه خاطره‌ی تلخی از وضو خواهد داشت پس حسنین رضی الله عنهما تصمیم گرفتند غیرمستقیم، وضو را آموزش دهند. درواقع ایشان حیا کردند که این مطلب را مستقیماً به او بگویند. بلکه خود مشغول به وضو گرفتن شدند و از آن پیرمرد خواستند تا قضاوت کند که کدام‌یک درست‌تر وضو می‌گیرند. نکته بعد اینکه ایشان با رعایت احترام و ادب پیرمرد را امر به معروف کردند.

«انَّ الحَسَنَ والحُسَيْنَ رضی الله عنهما مرَّا علی شَیخٍ یَتَوَضَّأُ ولا یُحسِنُ فَأَخَذَا بِالتَّنَائُعِ، یَقولُ کُلُّ واحدٍ مِنْهُمَا: أنتَ لا تُحسِنُ الوُضوءَ. فَقَالَا: أیُّهَا الشَّیخُ کُنْ حَکَمًا بَیْنَا یَتَوَضَّأُ کُلُّ واحدٍ مِنَّا سَوِیَّةً، ثُمَّ قَالَا:

أَيْنَا يُحْسِنُ؟ قَالَ: كِلَاكُمَا تُحْسِنَانِ الْوُضُوءَ وَلَكِنْ هَذَا الشَّيْخُ الْجَاهِلُ هُوَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يُحْسِنُ، وَقَدْ تَعَلَّمَ الْآنَ مِنْكُمَا وَتَابَ عَلَى يَدَيْكُمَا بَبَرَكَيْتِكُمَا وَشَفَقَتِكُمَا عَلَى أُمَّهٍ جَدِّكُمَا.» (مجلسی، محمد باقر، ج ۴۳، ص ۳۱۹)

۲-۱-۲-۱۴ کسب آموزه‌های دینی از سال‌مند

در روایتی آمده است که دو برادر نامه‌های جداگانه‌ای به امام هادی علیه السلام نوشتند و از ایشان سوال کردند که معارف دینمان را از چه کسی فرا بگیریم؟ امام به هر دو نوشت: «فَاصْبِرَا فِي دِينِكُمَا عَلَى مُسِينٍ (کبیر) فِي حُبِّنَا وَ كُلِّ كَبِيرٍ التَّقَدُّمُ فِي أَمْرِنَا...» (الکشی، محمد بن عمر، ج ۱، ص ۵) - در دینتان به بزرگسالی که در راه محبت ما [اهل بیت] و [نیز] هر کس که در کار ما [امر ولایت] فراوان رفت و آمد کرده است، روی بیاورید...

آنچه از این روایت می‌توان دریافت اینکه در دین به سالخوردگان عالمی که محبتشان نسبت به اهل بیت علیهم السلام بیش‌تر است و کسانی که در ولایت اهل بیت سابقه بیش‌تری دارند (در این راه پیر و با تجربه شده‌است) اعتماد کنید و معارف دینی‌تان را از آن‌ها کسب کنید.

۲-۱-۳ احسان و مهرورزی جامعه به سال‌مندان

در مکتب اسلام، سالخوردگان و سال‌مندان از موقعیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از آنجاکه آن‌ها از احسان و نیکی اطرافیان به خود، خوشحال و از بی‌توجهی و تحقیر شدن توسط دیگران ناراحت، عصبانی و دلخور می‌شوند، روایات اسلامی وارد شده در مورد سال‌مندان، بیش‌تر بر محور همین نیاز دور می‌زند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارش به فرزنداناش به این نکته تأکید می‌فرماید؛ که کوچک‌ترها به بزرگ‌ترها نیکی و رأفت داشته باشند. «يَا بَنِيَّ، لِيَبِّرَ صِعَارُكُمْ كِبَارُكُمْ...» (مجلسی، محمد باقر، ج ۳۴، ص ۲۶۳)

در دیدگاه اسلام، جامعه مسلمان از نظر روابط معنوی و اعمال محبت و احترام به شخصیت افراد، هم مانند یک خانواده هستند. به همین جهت، ائمه معصومین: به پیروان خود توصیه کرده‌اند که بزرگ و کوچک مسلمانان را مانند اعضای خانواده خود تلقی کنند و آنان را مشمول عواطف و نیکی‌های خویش قرار دهند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «أوصيك أن تتخذَ صغیرَ المسلمینَ وکذاً وواسطَهُم أخاً و کبیرَهُم أباً فآرحم وکذاک، وویل أخاک و برّ أباک و...» (القالی البغدادی، اسماعیل بن القاسم، ج ۲، ص ۳۱۲) - به تو سفارش می‌کنم که خردسال مسلمان را فرزند خود و میانسالشان را برادر و بزرگسالشان را پدر بگیری. پس به فرزندت رحم کن و با برادرت پیوند داشته باش و به پدرت نیکی کن...

در روایتی از امام رضا علیه السلام احسان و نیکی تازه داماد در شب عروسی‌اش، به پیرمردی سالخورده و ناتوان، سبب عقب افتادن مرگش می‌شود.

«كَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَلْدٌ فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ وَ قِيلَ لَهُ إِنَّهُ يَمُوتُ لَيْلَةَ عَرْسِهِ فَمَكَثَ الْغُلَامُ فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ عَرْسِهِ نَظَرَ إِلَى شَيْخٍ كَبِيرٍ ضَعِيفٍ فَرَحِمَهُ الْغُلَامُ فَدَعَاهُ فَأَطَعَمَهُ فَقَالَ لَهُ السَّائِلُ أَحْيَيْتَنِي أَحْيَاكَ اللَّهُ... سَلِ ابْنَكَ مَا صَنَعَ فَسَأَلَهُ فَخَبَّرَهُ بِصَنِيعِهِ قَالَ فَأَتَاهُ الْآتِي مَرَّةً أُخْرَى فِي النَّوْمِ فَقَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ أَحْيَا لَكَ ابْنَكَ بِمَا صَنَعَ بِالشَّيْخِ.» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۴، ص ۷)

مردی از بنی اسرائیل، فرزندی نداشت. خداوند به او پسری داد و به او گفته شد که وی شب عروسی‌اش می‌میرد. سال‌ها گذشت و شب عروسی آن پسر فرا رسید. پسر در آن شب، چشمش به پیرمردی کهن سال و ناتوان افتاد و دلش به حال او سوخت. پیرمرد را فرا خواند و غذایش داد. فقیر به او گفت: مرا زنده کردی، خدا تو را زنده بدارد! شخصی به خواب آن مرد آمد و به او گفت: از پسرت بپرس که چه کرده‌است؟ آن مرد از پسر پرسید و پسر به او گفت که چه کرده است. همان شخص بار دیگر به خوابش آمد و گفت: خداوند پسرت را به خاطر احسانی که به آن پیرمرد کرد، برایت زنده نگه داشت.

۲-۲ نتیجه

الف) سال‌مندان معمولاً خواستار احترامند و می‌خواهند مورد عنایت و توجه افراد جامعه و خانواده باشند. اگر دستور داده‌اند که به آن‌ها با تکریم و احترام برخورد کنید و دیگران امر و نهی آن‌ها را از باب نیکی بپذیرند، به این خاطر است که احترام افراد جامعه به آنان موجب رضایت خاطر و شادابی آن‌هاست، زیرا که در سایه آن محبت و توجه، سال‌مند احساس امنیت می‌کند و با توجه به ضعف و ناتوانی خود، میدانی برای تلاش و فعالیت می‌یابد در صورتی که خواسته‌های آنان با احترام برآورده شود ریشه بسیاری از عصبانیت‌ها در سال‌مندان می‌خشکد و عواطف‌شان بیش‌تر و محبت‌شان نسبت به اطرافیان افزون‌تر خواهد شد و درخصوص رفتار دیگران از خود تحمل و مدارای بیش‌تری نشان می‌دهند.

ب) در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در مورد تعامل با افراد بزرگ‌سال و سال‌مند سفارش‌هایی ارائه شده‌است تا افراد اجتماع بر اساس آن‌ها رفتار خود را تنظیم کنند. این توصیه‌ها می‌توانند نقش راهبردی و جهت‌گیری کلی رفتار با سال‌مند را به ما نشان دهند. از جمله؛ یک: حمایت از سال‌مندان یک ارزش الهی، دینی و اخلاقی است و سال‌مندان به خودی خود دارای احترام‌اند.

دو: رعایت این آداب باعث ارتقاء سلامت روحی و روانی سال‌مندان و همچنین سبب بالا رفتن عزت نفس سال‌مند می‌شود.

سه: اکرام و احترام سال‌مندان باید به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شود.

ج) از مجموع روایات استفاده می‌شود که «بزرگی سن و سال» یک معیار ارزشی است؛ ملاک احترام، توانایی جسمی و مالی نیست، بلکه صرف سال‌مند و بزرگ‌سال بودن، فرد را شایسته احترام می‌کند. اگر کسانی می‌خواهند خود را متعلق به اخلاق اسلامی و دینی نمایند، باید بزرگ‌سالان را اعم از زن و مرد احترام کنند.

د) مصادیقی از تعظیم و تکریم سال‌مندان در منابع دینی عبارتند از: اکرام سال‌مندان در مجامع عمومی و خصوصی، مُقدّم شدن در سلام کردن، جا گشودن در مجلس، مُقدّم داشتن آنان در

سخن، گوش سپردن به سخنان سال‌مند، احترام نگه‌داشتن در آموزش، رعایت حال سال‌مند در نماز، راه نرفتن جلوتر از سال‌مند، عدم موضع‌گیری در برابر سال‌مند، استفاده از تجربیات سال‌مندان، کسب آموزه‌های دینی از سال‌مند، مشورت با سال‌مند، بردباری در برابر خواسته‌های سال‌مند و...
ه) احسان و نیکی کردن در راس همه آداب و حقوقی است که برای سال‌مندان وارد شده‌است.



منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه: ترجمه: شهیدی، جعفر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- صحیفه سجادیه، ترجمه: آیتی، عبدالمحمد، سروش، تهران، دوم، ۱۳۷۵ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مصحح، هارون، عبدالسلام، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، اول، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق، چاپ، سوم.
- ابوالحسین ورام، تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ وَنُزْهُةُ النَّوَاطِرِ (مجموعه ورام)، عطایی، محمدرضا، قم، مکتبه الفقیه، ۱۴۱۰ ق.
- أبی شبیه، عبدالله، «المصنف فی الأحادیث والآثار»، محقق، کمال یوسف الحوت، الرياض، مکتبه الرشد، اول، ۱۴۰۹ ق.
- انوری، حسن، «فرهنگ روز سخن» تهران، سخن، سوم، ۱۳۸۳ ش.
- یافکار، حسین، سایبان مهر، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۱ ش.
- البخاری الجعفی، محمد، «صحیح البخاری»، تحقیق، مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چهارم، ۱۴۱۰ ق.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد، غُرر الحکم و ذُرر الکلم، مصحح، رجائی، سید مهدی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، مصحح، عطار، احمد عبد الغفور، بیروت، دارالعلم الملايين، اول، ۱۳۷۶ ق.
- دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار القلم، اول، ۱۴۱۲ ق.
- سند ملی سالمندان کشور، مصوب ۱۳۹۶.
- شاملو، غلامعلی، پیری چیست؟ چرا پیر می‌شویم؟ تهران، چهر، ۱۳۶۴.
- شجاعی، هادی، کلیات سالمند شناسی و طب سالمندان، بی جا، پژوهشکده علوم پزشکی جانبازان، اول، ۳۸۴ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ ق.
- الطبرانی، ابوالقاسم، «المعجم الاوسط»، تحقیق، طارق بن عوض، القاهره، دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
- الطبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غُرر الاخبار، تحقیق، مهدی هوشمند، قم، دارالحديث، اول، ۱۴۱۸ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مصحح، اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد العین، قم، هجرت، دوم، ۱۴۰۹ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ناشر، دار الکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۵ ق.
- القالی البغدادی، ابی علی اسماعیل بن القاسم، الأمالی للقالی، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- قائمی، علی، «خانواده و مسائل سالمندان»، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۹ ش.
- قطب، سید، «فی ضلال القرآن»، بیروت، دارالشرق، سی و پنجم، ۱۴۲۵ ق.
- کلینی، محمد، «الکافی»، مصحح، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- متقی هندی، علاالدین، کَنْزُ الْعَمَالِ فی سُنَنِ الْأَقْوَالِ وَ الْأَفْعَالِ، بکری الحیّانی، بیروت، الرساله، پنجم، ۱۴۰۵ ق.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مصحح، جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
محدثی، جواد، «اخلاق معاشرت»، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۳۹۳ش.
محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، قم، موسسه دارالحدیث، چهاردهم، ۱۳۹۳ش.
محمدی ری شهری، محمد، «حکمت‌نامه سال‌مند و اندرزنامه جوان»، قم، موسسه دارالحدیث، اول، ۱۳۹۶ش.
مسلم بن الحجاج القشیری، ابوالحسین، صحیح مسلم، محمد فواد عبدالباقی، القاهره، دارالحدیث، اول، ۱۲ق.
مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ناشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، سوم، ۱۴۳۰ق.
یثربی، محمد؛ سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، تهران، نشر نگین، ۱۳۹۰ش.
بهرامی، فاضل بهداشت روان سال‌مند در قرآن و حدیث، مجله سال‌مندی علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۹ش.
محمدی، مهدی، حقوق سالخوردگان در فقه و حقوق ایران، قم، دانشگاه اصول‌دین، ۱۳۹۵ش.
علی‌پور، حسن، سال‌مندی و تاثیر آن در احکام فقهی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ش.
فروغ عامری، گلناز و فاطمه گواری، طاهره نظری، معصومه رشیدی نژاد، مقاله، «تعاریف و نظریه‌های سال‌مندی».

نرم افزار جامع التفاسیر

- نرم افزار جامع الاحادیث

- نرم افزار قاموس النور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی